

درسهای اول ماهه

روزا ولما هم دروز همیستکی جها شی کارگران جهان،
امال نیزمانند سالهای دیگر علیرغم تمام فشارها

و مقاومت مردمه دارد، و با اینکه سپاهی از رژیم
های رسمیه دارد و ارجاعی اجازه برگزاری این

مراسم راه راه کارگران ندادند، از جانب پرولتاری

جهانی و نسیم علاقه نداشان به آن و این این
طبقه در سرتاسر جهان چشم کردند.

طبقه کارگران ایران نیز سنتوان جوش از سیاه
عضم پرولتاری جهانی امال به برگشت دست آورد-

های مهیی که باشکوه فعال خود در انقلاب دمکراتیک و
نماینده ایستادند بدل است و در این طبقه که

به همراه دیگر افشار و طبقات خلق در راه آزادی و
استقلال مردم متقدیه داده است، توانستند این از

۴۶ سال ترور و قتلان این روز را در فضای سیاسی
نویسند چشم نگیرند.

برگزاری این مراسم، خواستهای طبقه کارگر

ایران و ممالک و مکملات کنونی اورا در راه پیغامون

را پرسکو و غصه سیاستی اورا در ناشی کنند،

و با دیگر ضرورت سخورهای جدی با این ممالک
نب نیزهای م. ل. عاطر شناخت ساخت. مادر این مقاله
سی میکتم اساسی ترین نتیجه گیریها خود را از جو-

با نانی که در این روز گذشت بیان نمایم :

دموکراتیسم پرولتاریا

۱ - هر چند روز اول ماهه در شرایط برگزار

کنند طبقه کارگر وجود نیاز نداشت، این و در درهای

بخت برگزی از توهه های کارگر بدبیان رویزیونیستها

و اتحادی طبیعت انسانی کنند، ولی به هر جات

میتوان گفت که بختی از طبقه کارگر ایران سرای
اولین بار پس از سال ۲۲ با شعارها در خواستهای

منفلح خود به میدان آمد. تحمل این برگشت در طبقه

دها خواستهای خانه کارگر بود، درین شرایط هر از

عزم طبقه کارگر ایران توانست دمکراسیم خواهد

ریا شی و آرمانهای والیش را به ناشی کنند، و با

شماره و خواستهای عالمی سیاسی و علمی خود سار

دیگر این خلیفه را بیان کند که شناس طبقه کارگر

است که سهیجوجه مفتوح بپریزیهای محدود بود بدت آمده

در افق دمکراتیک و خدا میریا لیستی نموده و نیست

و هواهه بر اراده انقلاب و تصفیه حسابات سا

دنیمنش طبقه ای کنید دارد، بهینه لحاظ بود که طبقه

کارگر در ظاهر هر از همان کارگر فرباد برداشت که:

" منابع و ایستاده می باشد کرد ، حقوق خواسته ای

بودا هفت باد کرد " و با بر پریم خود نوشت: "وار-

دیو، شلویزیون منعلیه ملت است، سهم کارگر

بین از همه است " و " امیریا لیسم آمریکا خود نخوا

ریزی دشمنی طبقه ای جهان و ... و بدینترتیب

اکا هی و هوش ای و بیکری خود را به ناشی کنند

و شنان داد که می ازدی و خدا میریا لیستی و دمکراتیک

سرای و ناز ماسی که شناس طبای امیریا لیسم سه

فقط از مینه ما بلکه از همه جهان برچیده شود و

منظمه هر ستم و احتیاطی سرچای مانده باشد، ادامه

دو هاد بافت، او با عنوان کرد این شناس کارگر

تفرقه ملاع امیریا لیسم و مهیوبیسم استشان داده

بدایم که ارجاع برای تفرقه کنند و مغلوب خلق شدای ک

دیده است نمی افتد . آنان هر نوع سرشارکاری خواهند

ست سه مصالح توهه هارا با این شمار: کارگر خواسته

علیه هر نوع سازش، فرباد خود را برگزیر

ساختند . آنها بر پریم خود نوشتند: " آهنین باد

میشود " و بدین ترتیب با مرادت شام قیام مصممه

خواستند . برگزیر هر نوع ستم ای ای ای

براستی جرا آنها میتوانند این چنینیا ملاست

و بدیگرانه از خواستهای دمکراتیک و خدا میریا لیستی

توهه ها حرف بزنند؟ طبقه کارگر با مرادت شام

نه این جرا باش بیدهد: " سهم کارگر خود

کارگر می باشد: " کارگر خود

مامانه و شاعرهاي نازل سياسي او ميدان سیاست هرگز کرده و در ميدان فوزيه به تجمع "حربه مهوروی اسلامي" به پيوشند. ولی غالباً از اينکه رياضي کي او در عدد است بدنبال لشود غافر بشه و بدپوشش شوشيست! و به اين ترتيب بعده که در شنبه راه جلوی حرکت تعدد هاشا را که "حرب توده" فرماي، بگارانه دهنالهود ميکنيد از جانب مدعيانه عدالت اسلامي گرفته شد.

قلاش انحصار طلبان

۵- در روز اول ماه مه انتحار طلبان سایه و شنگ نظریاً که نسبتوانند آرمانتها و الای طبقه کارگر را درک کنند. آنها که طرف این مدت بعد از این مدت میگذرد اینها میتوانند زیادی با اعمال و کردار خود اشنا شوند. اینها میتوانند که به معنای محدود خود در انقلاب دست پایه اند و دیگر خار غیر نسبتمند هستند. فقط بطریعه در راه خواستهای برقخ تولد هدایا میگذرد. ملکه به شرمس اتفاق بدل دیده اند و درین قدم باره از انتشار طلاق و شنگ نظری خوبی راهه میگذرد. آنها سایه از نظری اسلام پنهان نمایش گذاشتند. آنها سایه از نظری اسلام پنهان نمایش گذاشتند. آنها سایه از نظری اسلام پنهان نمایش گذاشتند. کوئنیس نایاب است" و ... میگردند. تهدید های سایا که را که بدینال توهمات لیبریا میگردند. آنها از این افتاده اند سبیع کرده و سام اجزای اوراد سازند. آنها سایه از نظری کارگر خود را در طبقه ایجاد کرده اند. آنها سایه از نظری کارگر خود را در طبقه ایجاد کرده اند.



هذا مهوراً لميسي نظره فوددار از پرداخت فرقه میانی
امیران به امیراً لميسيها ، معاذره اموال سرما يسه -
داران فراری و مدها اقدام بزرگ و کوچک هدی دیگر
داداشن را از حق طلاقی کارگران و نیروهای
مازکیتس - لندنست و کلیه مکافات شاهی انتقام‌گیری
به هوا بلند کردند و اعهاد تابواری خود را
آنها وارد ساختند .
آنها با شمارهای تحریک آمیز مسقفو کارگران
و هوا دران وی در نظاهرات خانه کارگر حمله آور
دند و مانع از راه بیمه‌اش آنها در سیر دلخواه
نهادند .

اما کارگران پیشو و نیزه‌های م. ل. . .
 کلیه دمکراتها که درین راه بهمایش گرد آمدند و
 سوبدند با منات و میر و خودمه نظرلاین شهادت حرف
 به تودههای ناساکه و شعریک شده بوسیله انصاری-
 ریان سیاسی زدند و آن اتحاد، احتجاج، جعفر،
 کشان اتحاد، بود . . . و بدین ترتیب شایستگی واخلاقی
 کشان اتحادیک و آزاد منشأه خود را ثناش دادند . اما
 دمکراتیک و آزاد منشأه خود را این مواد اکتفا-
 نمکردند، آنها سعی داشتند همچو این کاردن اکلافات
 طبلانی سین کارگران و سرمایه داران بودند . آنها
 نتوانستند خشم و کینه خود را مستحبه شکل و عمل
 مستغلانه طبله کارگر اپراز نداشند، آنها همینطور و
 به حفظه سندگای کارگری پرداختند و خواستار
 شورا هاشی از پیوند اقتصادی بین ایران و کارگران تندیدند!
 حرب جهانی اولی اتفاقی عوض شدن روز کارگر
 را گرد ! و بدین ترتیب آنها در عین قدرت، در
 عین اینکه موضع کلیدی و مقدرات خلق ما را بایدست
 دارند، نتوانستند وخت وهر این خود را از پرولتا-
 رسای از میستگی او با پرولتاواریه‌های شنیدن سا-
 ندست

اینها بود شهادی از نتایج و درس‌های روز اول

طبقه کارگر همچنین شنا داد که چکوون به اتحاد
با رحمتکنان دیگر و افشار و شروهای دمکرات و پد
میریا لیست برای رسیدن به اهداف خوبش نیاز دارد.
و همچنین قابلیت خوبی را بخصوص در شرایط کنونی
برای کرد آور سپاه عظیم متعددین خوبیست بینا پیش

درس‌های اول مادمه

ش روی زیر میرسد که اشی از نظام سرمایه داری
نمیگردید و نماده باند. بنابراین از نظر او هسته
تواست آزادیخواهانه و استقلال طلبانه، نه بخودی
بود عطف شاشی و شهادت و نه طبقه کارگر
خواهند بود سر بر گلزارهای بدمت آمده از این زمانه
باشد و در جاذبه بلکه او رفای این دموکراسی و
نهاد از قید و بند امپراطوریسم به برای رسیدن
بر جه سرپرست به سوسیالیسم و جامعه بن طبقه
طلب میکند. این آوانا و اعتقاد پرولتاریاتی
بر طرح هایی که به همراه داده هزار انسان حرفک
میکند نتفت شسته بود و این یعنی که اد اینهاست که:
۱- خواه سور طبقه کارگر را تاریخ ما در کوهه است
۲- اما آنچه برای طبقه کارگر مهم است تنها
طرح شماره و خواستهای عادله و سرمه و سرداد ن
سروده در راه آمران های شیخ بسته بلکه عملی کردنی بین
شماره ها و رسیدن به این آواناها مطروح است.
تنها میتوان این اتفاق را درین راهه شنکل و اتحاد
است. نداشتی که کارگران بهمراه متعددین خودداران
وزور سردانند که: «اتحاد، اتحاد، اتحاد، زمینکشان
شاد» و با «زندگی اتحاد و تحریر»، دستهای
که در این بسلام اتحاد سرمه فشرده شد، همه و همه
سینا نیز نگر این حقیقت بود.

آنچه در اینجا در راه رسیدن به هدف شکل
و اتحاد سپاه از هر چیز دیگر اهمیت دارد بیومنی
هر چه سبکتر نیروهای مارکیست - لذتیست با طبقه
کارگران از یک طرف و شلش برای وحدت این نیروها ارجا
نتیج است.

تهدیه صابققی با شاکنک و نظرات و علکر،
های اخراجی داشته، هدایا جاذب نموده که درگذشت
نهود را از مسنه اصلی میبازه- غلظتی دوست نشده -
نهود و سروماون بسیار عالی و پایه سفید فراز داشته
ند و چه از جانب نبرهوشی که بر منشی چریکی
سقحفار داشتندو بایان داد به فرمت طلسی اشاره
که سوتور شاهزادی کرد از انتقام از خود مصادفانه
موضع کردن شاهزاده و هنر شاکنک خود بدوں توپخی و ...
برخوردی با نظرات اتفاقی و ... که ممتازه رواج
دارد، گذشت از تنوع محدود گروهی و پهن بردن بسے
معنی سکنای رسمن و عظمت طلسی های گروهی ، بایان
دادن به شیوه های متبدل خود روزواری شد در برخورد د
نمودن با نبرهوشی به همدیگر و پی بردن به عاقبت خوبی
های کنج دار و میرزا رواب و میرزا پیوندمیر و سروخورمیری
و ناطل با آن (و مظہر اصلی آن حزب شود)
از جمله وظایف سکنین و مسئلی استکه بناگزیر
نبرهوشی میگذرد م. ل. ساید که بایان با مکتوپها شد.
میگذرد میگذرد میگذرد میگذرد میگذرد میگذرد

اچتا و احتدا، رجتکشان اتحاد!

مردی که جا است و گفت و شلوازتر و شمیری پوینده است
کراوات پت و پهنه زده است، با کارگری بخت میکند، می-
کنیکنند. کما رکرا بد هر سیا شه مکرکا رکر میتوه و هر
کاش؟ کما رکرکه سوادنده است. نمیتوه بک خانواده پسنه
نفری و اداره کند. اوتوقت و هیر بایه؟! «بهرحال، گمیستند»
و بیکار دیگر... درکنکن این آشکنی هی سب در این
حمله های کور، و چوچیکهای سب دلیل شاهد هفڑ و قشن
بختی از سریرو طلمان منصب، هر حركت آزاد بخواهه و
حق طلبانه، درزیمنان کمیستند، کوییده میشود، امیر
با لیسم و ارتاج، از فخر فرهنگی طلمان که دستوارد
سالها فایض و غفنا و سرکوب مددمرها شاه دکتروسرا
است. سرمه بردازی میکنند که این جنوب آمدند. !!
بینکنفره لهجه، شیرین آذربایجانی فربا دیمیزد تبرویم
کارگران و از جنگشان در بیهوده، بیرونی ها هن داشته
آن! اند!
دوکارک در کوشای ابسته اند و تماش میکنند:
— برا در اینها میگویند؟ کی میشند?
— روزگار رکر است. شما رکر میهند.
— از عارج که شنا مده اند. ما همین ملکت هستند. جرف
بدی متمیزند.
بینکنفره که رکر ره کاپ بسطمزد میکند. میگوید:
میخورد و بشد بر بد تبلیغ میکند. میگوید:
از اینها میگویند، ایران اسرار میستند. میگویند...
میکنند...
بینکنفره که رکر میشود، میگوید: سرپرده روغو شست
— همکام و همدم میخواستند:

★ سپهادشت، میکن، سواد موزی، حق مسلم و اتفاقی کارگر
★ قاتون کارگری باید لغو شود و قاتون جدیدی با نظارت
نمایندگان واقعی کارگران ندویں گشودد.

★ ۴ ساعت کار و ده هفته برای کارگران.

★ مجاوه ها مجازات عاملین گشته رکر کارگران اهلی هستند.
★ کارخانه های سرمایه داران خودگرد و خونه ای که از ترس
انتقام مردم گرفته است، نتوصه کارگران اداره شود.

★ معاشر رکر کارخانه ها عالم میکند:
★ معاشر رکر کارخانه بیکار از زمینه را کارگران شاغل جدا
نمیست.

شیرزنان کارگرهم در صفحه حرکت میکنند:

★ حق نسا و دستمزد سرای کارگران زن و مرد در سرمه کار
ماسوی.

چهره های کارگران از هیجان میدرخشند، باز میمیزند:

کوست و دست میزند. کارگران کارخانه های گونگون (خواری
کارگران خارک، گروههای از رکر کارگران لوله های کارگران
باف، صفت چاب، «تکنونکار، راه آهن، روزگار دکرج، کهنسایان
بوتان، زمیاد، منعت نفت، متراکت با رک پرس منوساک،
الام اسادگرچ، شرک ایران مال مکروس دیپس، آرما، مقولا
ساز، سرمه، سندسکای کارگران نکاس شهروان، سینا و ری،
ورنه، کارگران بیکار، کارگران معلمی، شورای مؤسس
اتحادیه سراسری کارگران، شورای مؤسس اتحادیه کارگران
بیکار پروره ای و...) همکام و همدم میخواستند:

★ یک رئیسیتی بهتر، این انتشار کارگر
★ کارگران آذربایجانی در شرکت ایران میگویند:

سیرفا نا میان قان اولاً جوان رکر خیمه های الام و کارگر
(هرخون رکر هزار این میشود) رکر چشم خود خواهد شد
یک بلکار ده با خروف سرخ، بیبا دکارگران شهدجهان چیت
و شما می کارگران شهدی، سرمه از شفته شدید است. بدشان
کرامی و راه ها را بسیار دیدند!

صف به پیش میروند. بیش سرکار کارگران، افشا و دیگر مردم،
باران طبقه، کارگر میشندیش از اینها حرکت میکنند. در
بیانیه، روها، محیطیتی میشوند که اینها میخواهند. در
اینستی که بیان و پایان میروند، میگویند: «بندگی بهتر است،
میظبط، وسایی انسانی زندگی را روشن میکند، اینها هستند.
خیابان هزار روشنایی است، بلندگوی خیابان:

★ دنکوفان بادرورجهان کارگران، داشتمونیان میگویند:

فریادهای کارگران، داشتمونیان، داشت آموزان،
ملعمن، کارمندان و ...، بیرونی روشن خیابان میکنند؛
★ کارگر همکنکن، علیه هر چنوع مازق، فربادخود رکر،
★ امیریا لیزیم خونخوار، این دشمن سمعکار، باید باید بسیار
گردد.

ولسلیتو فرباد میزند؛ آریکا دشمن اصلی است.

اما حما عنی که بادشون خوش ناشی از اینها کارگران
این توده، غصه از طرفه ایگنکی میشود و مانع نشکن واقعی
و حد طلبانه آنها را نمیکند، این خلیقت مسلم راکه با
فریاد روس، بیان میشود، نادیده میگیرند. ما شما رهایی
نماید است... بد هموم میوار و رسن، شما بیان میگیرند،
میشود. در میان این توده، بیجهو، هوچی که خود را میزهندند،
که در مقابل بوداران خود، صل میکنند. کارگر میاد و داد
داد و فرباد، و فتنش را از فی بیرون میکنند. دکارگر
مقابل هم میباشند. کارگر آگاه میگوش و فیتش را قانع
کنندکه انتقام میکنند. ما این کار را این دشمن بست جرا کفنا
بندش سایه ای این دشمن را دروغ آلوهه شده است. و محركین
ما بارگانه کردن شایمات سرتا با دروغ، شریرو غله این صفت
اعظم انسانی. جمع میکنند. مفعکه ای در دنده بختها
که هر کاری کار خود را کارگری فعلی لغو کرده و بختها
چهره های دهنم رفته، بختها ریکی، فربادهای اند که میگردند.
نیتی، موشهای بیلیلی، و خنده های تدریجی کنندگان
برویم:

— بودار، اینها چه میگویند؟ مکرچه میگویند؟
— هیچی باید، میگویند، فربادهای رسن،
— مکرچه میگویند؟
— میگویند، اتحاد، اتحاد،
— مکر بد است؟
— نمیدام، میگویند بد است.

کارگری سفت خشمکن، فربادهای رسن،
— بودار، چرا عصیانی هستی؟ چه شده؟
— این کوییستهایها، اخلال میکنند...
— از کارگری کوییستهایها،
— معلوم است، میگویند مرگ برسرمایه دار.

قطعه ای اول ماه مه

خواهان و براذران کارگر!
شورای های هنگی بکارهای اول ماه مه کرمتین دردهای خود را در سهار آزادی بمناسبت روز جهانی کارگر
به شام کارگران و زمینکنگان ایران باشند دست در دست پیکارگر با میارا زمانه ای و آثار امیریا لیسم،
ارتعاج و بجهه کشی فرد از فرد را نابود میکند. ایرانی آزاد، آباد، مستقل و بدور از هر گونه متناسب
تیپیش وجود و رسن.

در هر نقطه از جهان که طبقه کارگر مورد ظلم و ستم فرار بکبریده در هرجا که طبقه کارگر بتوای ریزندگی
شناخته اند اینها میباشند. اول ماه رسن دو روز انتراچی چهارشنبه، کارگران نسبت به ظلم و بجهه کشی و روز جشن مسای
کارگران از بند رسن جهان میباشد.

در دوران طاغوت دیکتاتوری شاه جلال و عوامل سادش با ساختن سندیکا های قلابی و سازمانهای فرمایشی سه
اصلاح کارگری سعدی در طرفه ایگنکی میشود و مانع نشکن واقعی و میارزه بکار رجه طبقه کارگر ایران شد ولی این دیکتاتوری
خواهشوند و شرکت اداره کارگران و میارزهای ایران و میارزهای سرتیفیکی سراسری برای ما کارگران و زمینکنگان ایران
فرام است، من ناکید بفرزوخت و دست کارگران ایران از دولت موقت اتفاقات خواسته های ذلیل را با اتفاقیت تمام
خواهستیم:

- ۱- هرچه زودتر کارخانه ها، سانکها، موسات بیمه، شرکتها، معادن، و زمینهای سرمایه داران خارجی
و شرکای اداره ای اینها میگردند.
- ۲- کلیه فرآوردهای نایاب بر سیاست، اقتصادی و نظامی اسارت بار سانکور های امیریا لیستی بخصوص فرار
دادهای نشانی باید لغو گردد.
- ۳- اخراج کلیه کارشناسان کشورهای امیریا لیستی و جایگزینی میتوانند ایرانی را خواستاریم.
- ۴- مصنوع کردن کنور از طرق ایجاد و توسعه منابع مادر باید عملی گردد.
- ۵- من محفوظ کردن بر نوی تجزیه طلبی، از حقوق ملی طلقه های ایران حمایت کرده و تضمین این حقوق
را در قانون اساسی آینده خواستاریم.
- ۶- زمین های ملکان و سرمایه داران بزرگ و استهانه به دربار مادر و باید به شوراهای دهنا بنی سپرده
شود.
- ۷- ما ضمن شناخته ای اینها را میگردیم که شرکت اداره ای اینها میگردند و شرکت اداره ای اینها میگردند
شوراهای ایالاتی و ولایاتی حمایت کرده، خواستار شرکت فعال شام طبات و اثمار در این شوراهای همایشیم.
- ۸- طبقه کارگر در انتلاع نشانه ایامی و میتوانند داشته است لذا مجلس موسان از نهادنگان کلیه
طبقات و انتشار بخوبی طبقه کارگر باید تشکیل شود.
- ۹- قانون اساسی مجدد ناید مدعای منافع و مهندسیان را داشته باشد.
- ۱۰- قوانین کار خود را کارگری فعلی لغو کردد و قانون کار گردید با شرکت نهادنگان واقعی کارگران شامل
موارد ذلیل باید تهیه شود :
- الف- حق کار مطابق تضمیم و تأیین معادن زندگی در دوران سکایی با ایجاد صندوق بیمه بیکاری .
- ب- قانونی خود را با اعتماد و اجتماعات کارگری و عدم دخالت شرکهای نظامی و پلیسی در امور کارگری .
- ج- ۲۰ ساعت کار در هفته .
- د- شعبین حدا قلقو برابر با مخارج زندگی و افزایش آن متناسب از دیاباد رسام آور قیمتها .
- ه- نایین میکنند، بیمه، بهداشت ایگان و میتوانند در مقابل خطرات و بیمه رهایی ناشی از کار .
- و- حقوق ملی اینها در سرمه کار سایه زنان و مردان .
- ز- برا بری مرضی سالنه کارگران با کارشناسان .
- ح- شعبین سازنگشکی منتسب با اینها کار و حقوق باز نشانی با افزایش قیمتها .
- ط- اخراج کلیه شرکهای نظامی از بحیطه های کارگری .
- ی- بررسیت شناختن سندیکا ها، شوراهای و اتحادهای ای واقعی کارگری و اتحادهای ای واقعی سندیکا های طاغوتی .
- ل- اداره سانهای و ناسیمات کارگری و این اداره های طاغوتی .

درود بر کارگران شهدای!
درویشمه شهادت ای راه آزادی!

ادامه از صفحه اول

خواهان حقوق حقوق ملی خود مستند کارگران خواهان بمعنی پیکاری و ... می باشند . قطب پندتیها طبقات بصورت بازی زر افراده شده و انتشار طبقات مختلف هر یک درجه است حقوق خواهانها طبقات خود می کوشند سهله معمول و مشترک بعنی تابوی کامل امیرالاسرار و مقایس ارجاع دارد این تابهای عالم متحده اند و دوش بد و شر خلقها در توانی عرصه ای محیط اجتماعی ممکن است از جانب سازمانکاران و انتشار اینستیتوی اقلاب بدست فراموشی نیزه های اتفاقی را بر می شوند . بجز روزی لبیرلو که اگرnon روزینه ضعف اتفاق را پایان یافته تلقی می کند او تلاشیای بحق خلقها را برای حق خواهانها این اقدام ضد اقلایی نایاب می نماید و زدن روزی تلقی نموده به سرکوب آنها و دعوتشان بر می بسرد و انتظار می زند.

از پنجاه این شیوه را میتوان سه بیان و حق در لیسانس دوستداران انقلاب چهارم کشید. را نهان ساخته، خود را در صفوت میگذارد. آنها به تلاش و تکاری دیوانه‌سازی و برای داد این پردازند. سازی و شستت صفوت خلقها افتاده اند تا آن‌ها کل آنون میگردند.

بدین ترتیب لحظات حساس و سیار مهمن در رایخ خیا
ل خلقهای ما فرا رسیده است «تحقیق خواستها» و آرمانهای
انقلابی خلقهای دنون تامین پیروزی نهادی امیریالیسم و
از جریعه خود رخایا و خانواده ایشان نیست و براز اینکار
حفظ و تداوم فواید نشود و هم پیوسته صوری و حیاتی و
قدرت و امروزی انقلابی آنها در این جهت ضروری و حیاتی و
باشد. برخود ر اصول و همیارانسنه به مسائل و حل درست
و انقلابی آنها در جهت روشنگری بکار رفته و اتحاد عسل
خلقها اهمیت بزرگ و توهین کننده پیدا نموده است. هرگونه
اشتباه و سیل امکانی در این مورد نهاده شوند به انداده سروشو هم
باشد. آنکه به آسیاب امیریالیسم رخداده و لطمات چهاران-
نایاندیزی به رشد و تکامل انقلاب وارد می‌سازد. در این
جانب از آن مسائلی که با آن می‌باید آگاهانه و مسئو
لاته برخورد نمود «موضوع ملیتیها و شرط ضروری و مقسم
در این مورد با درست و اصولی به خواستهای ملی خلقهای
ایران بباشد.

حال بینیم چگونه میتوان مسئله ملی را بظری اصولی و
انقلابی معین طبقی کرد جهت نایاب اصل خلقهای ایران
و حفظ تداوم انقلاب تا بایدی کامل سلطه و نفوذ امیریالیسم
باشد. حا. بعد.

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش

نظرانه و تجزیه طبلانه را که عکس العمل در مقابل شوینی
چندین ساله رئیم پیاشد، پیرامیسا زد و سرانجام مصروف
لعلقایان ایران را در رخته دستیاری به ایران آزاد و دمکراتیک
و شیعی و تاویدی کامل سلطنه اپریا ییم، متعدد، مستحکم و
پولاپنی میسازد.

خود مختاری، نه جدا

بررس مجموعه شرایط انتقامی / سیاس فرهنگ و تاریخ که ملت مغروض را احاطه میکد، بگانه کلید حل این مسئله است که چگونه این به آن طبق خاص باشد زندگی خود را ترتیب دهد و شکل های مخصوص تشکیلات آنده بخود را معین کن. در این راسته نخواهد بود، و این یعنی که بررسی جنبش های ملی و شخصیت نمودن خودمختاری معینی که در بررسی دوره معین تاریخی این مطلب را از سایر خلقها تمایز می دارد. دست بزمی

مل پوشیدن بیشین که مانع کیم این میلیت ها در آن زمانکیست
بگذشت و در غرب مانندی فاختن شدست به سار پر ناقاط کشورمان
قرار دارد. این همه نتیجه سیاست غارگرانه و ارجاعگرانی
امیریاں و رژیم رسمیه شاه میباشد. وقتی بدین اساس
های ۴ که رژیم امپراتوری است (انقلاب مطہد) صورت گرفت
ما شاهد رشد و پایکوبی شاهیات سروایه داری و پهلویانه ام
رشد دست و با شکسته نتایج موقتاً و مستمر راههای ارتقای
همستم، ولی در مناطقی که اقلیت های ملی ساکن هستند،
حتی همین رژیم ارض و رشد سروایه داری و باسته نیز انکما س
ناجیزی را بهداشت و حتی در پسرخواهی مناطق هنوز نیامده است
پسندیده نتواند این کما بینش - مثلاً در کردستان یا بر جاست
و حتی روابط عتیقه ای و ایلاتی نیز میشود. از این پس
نیز تبدیل ادار کارخانجات در این نقاط نتیجه دید که تقاضا کشوار
سپاهان اند، ترقی پازگرانی، راههای ارتقای ارضی و پدیده
آن امکانات رفاهی و آموزشی از قبیل پیمارستانها و آزمشگاهها
ها پیمار جدود نی باشد. افسانه بر تراجم اینها اقلیتی های ملی
از لحاظ فرهنگی نیز تحت خشار و ستم قرار داشته اند. پس
شیدن لباس محلی و تغذیه ای روسی و آموزش بزرگان
مادری ملاوه بر اینکه منع و بود، بلکه حق جمیع سیاسی نیز
حساب میشده است. نظایران بخصوص این افرادها که از
عنصر اغیر بروس انتخاب میشدند همراه و بطری روزبه به سرکوب
هرچه طالا نه تر و هرچه فائیست تر خلقنا هم بود اخته اند.
مجموعه این عوامل و شرایط سان میدهد که اقلیت های ملی
در یونان چنانی نشین و عقب ماندنی اتفاقی و غرفه طی
اکاهن یا میان منکلات و نارسانهای با پیشنهاد و برای حل و
رفع این مشکلات و نارسانهای با پیشنهاد و شور انقلابی
به کار علیم بازی اسازی اقتصادی این مناطق مشغول شده اند
را به صورت یک واحد اقتصادی سیاسی و فرهنگی نیزه و

پیوسته میدانند که این را که اهالی آن بنیان وحدت محبت
احجاج در سوزنین هاشی را که اهالی آن بنیان وحدت محبت
میکنند، علی ساز است. بخصوص اینکه وحدت زبان و گامیل
بلامانع آن و تحکیم آن در رایداییت میتوان شرط در رشید
نشانیات سوابه داری و نشانگری توده های مردم بصورت یک
ملت کامل میباشد. حال اینکه این اتحاد چه مکنی پیغام دارد
گیرید، بصورت یک واحد و متفاوت و جدا از اسرا و ماناطق و یسا
بصورت خود مستوار در چهار جوب ایران آزاد و دموکراتیک در
آید. باید که به برسی تابعی مشخص موضوع بپردازیم.
علاوه بر تمام توجه گیریهاي چهان، مراجعته به تجارت
جشن های علی طلاق در سالماه ۱۴۲۵ و در آذربایجان
و در سلطان رئید کامل این مطلب است که تحقیق
خواستهای ملی شنبه بزمیت نابودی کامل طبله و نفوذ
امیرالیسم مکن بیشاد و فقط و فقط بدین نحو است که
خلفها امکان میباشد خود را از چهار جوب تنگ ناسیونالیسم
که از طرف روزی و ازیز خود بروزیزد و حق تقدیم الی تاییخ
مشید، خلاصی دهد. چه در روز این صورت مبارزات داد
کارانه و لارانه خلقهاي ایران در خدمت ملت امن تجهیز طبله
و استمارکردن نابودی الها و ارجاع خزم خود را فرار گرفته، حرمه
های آنان را در متوقف ساختن انقلاب کاری تر میسازد. خلق
های ایران به ایران آزاد و دمکر ایش و با سلطان رهبری
کنده، سرکردگان طبله کارگرانیاز مرم و حیات دارند.
خلقهاي ایران به سلطاد و دمکریت قدر متند احتیاج
دارند که با تحکیم اتحاد و همبستگی خلقهاي توانند لشکر
عملیات آنها را در جهت نابودی کامل ایجاد کنند امیرالیسم
براند اختن قطعنی بایای متابیات کهن تقدیم الی، مشیره ای
و تصفیه کامل و انقلابی دستگاههاي دولت از عنصر خود -
فرزخه، فاسد و ارتضاح و ساختن ایران آزاد و مستقل
هدایت کند. جادی کامل و بجهجه به حق خلقهاي ایران
آن نهاده، همچوکنی کنک به حق خواستهای انتی شیوه های
دی شرایط زندگی و بایان ندادن به ظلم و نشانگری نمی کند.

لجزر ایکنی کیسے مرکزی خائن خرب تو ده ۲

فستیوال از پایام سازمان
ابت سازو رشد اوت مجاہد
شید شریف واقعی

روز ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۸۱ سال چهار و همین سا-
کلدر شد معاذه شدید شریف واقعی است. سا-
خ طاره این این جاده را خود را که این میدارد.
معاذه شدید شریف واقعی شد. عالمین این داده
ابوروثنوبیتی و تروریستی شد. عالمین این داده
مداد نفلوئی از آنجاکه درگ ناصحیح و انحرافی از
لایحه مصاده های درون طبق داشتند اختلاف و نشادی
رو را که با پرخوردی انتقامی و به طبع مصالحه
از میر اقبال بود و این آنکه نیمسی کشند.
... این اقدام و این چنین روشها شد هنچ-
از جانب شوریوهای انقلابی خلق مکحوم بوده و هست
با مایه ای خود که هم در گذشته و هم در حال
ماهر استفاده تنبیه های و عوای فرسای درسوزد
اقدام شنیدن این مورد، درست از این کسانی می باشد
مورت گرفته و میکرد که بهای لازم را به مبارزه
با امیریا لیسم نصی دهد و ناش میکنند خلخالها را
از میسر می اززه خدا امیریا لیستی و دمکراطی
نمودند و می خواستند آنها را به راههای که من-
اع آزادی از این داده را که در تعلیم نهاده شد
برخدمت امیریا لیسم و ارتقا غرق رانمیگردند کشند
... آنها بظاهر در مورد همین اعدا مانی سرو
دان راه می اندازند ولی در عمل بود دقتند-
مان این راه اخراج های و ابوروتندیستی ای و می-
وند که نجیر به چنین اعمالی می نمود. آنها
بنی اعمال را نه از این دیدگاه که اختلافات
برون طلاقی را با پیش مانه نظر که مارکیست-
نیستند و کلیه دمکرات های انقلابی (اعمّ-
شندیستها و کلیه دمکرات های انقلابی) (اعمّ-
ز مذهبی و غیر مذهبی) معتقدند. از طریق
حث و میازده سیاسی - ایدئولوژیک، مل کرده
لشکه بر عکس سوار دام زدن به اختلافات درون
برون طلاقی و مرامی مسلکی برای مترقبه کردند همین
کار از دشمنان اصلی خود (امیریا لیسم و ارتقا غ-
رق) میکنند و اشتباه و انحرافی را که خود
ظاهر آنرا حکوم میکنند، آنهاهه و از روی
رضی بنا آنهاهه نکرار می شناسند ...

در شماره قبیل ، در راسته با شمطت ناچو اسرارهاده
و خاشانه ای که " مردم " ارگان مراکزی حزب توده به
با زمان ما زده است ، مطالعی نکاشیم که استدانتام
ماده در اینجا آنرا اداء میدهیم :

رهبران حزب توده در حاليکن در کجا " مردم "

شماره ۵۸ - فروردین ۱۳۶۰ برای کسانی که از همسایه
واقعیان ایان خیرتند ، و در چهت نشان دادن چهزرو و

حرب توده در جریان اتفاقی باید تایید شخصیت و جراین برداشت که در پایان هر خودا ۴۴ در مقابله با رژیم شاه خاش گزینه شده است از جای مخصوص کرد که بود، ولی اینبار راز آنچه که اوضاع اساساً تغییر کرده بود و شاهین ترازوی قدرت بنحو مخصوص بثغیر آیت الله علیه السلام تغییراتی افسه بود، برای حرب توده که سیاست خزینه بودی قدرت بهتر نتوانست خوبی بود که به تایید و تمجید ببرهای مذهبی و آیت الله علیه السلام بپرسید و خوش نباشد و عجیب نباشد از هشتعل و چالوایان ارتقا!! باید این مبالغه بعد از فیلم کوچکشدن بینن ما شدت خود را بگیرد میگیرد و طوریکه دروز کارکر جهت به شمارهای مذهبی روی میآورد. بدین شرطی است که کلیه سیاست های درست و نادرست قدرت مسلط و حاکم بر جامعه بکار موردن شائید و تبلیغ فرار میگردند. حرب توده اندرونی فوائد محدود اسلام بخشن درآشی میبرندند! در ورود مجدد و خواسته ای اساسی بینن اسلام، کرسیسته اند و خواسته ای اسلامی میگردند... و خواسته ای اسلامی میگردند:

"حرب توده ایوان حرب مشتعل است و روزنا دعا مستوان ارگان مركب این حرب هرگز به خود گذاره نمدهد که به کسی ... - نسبت نادرست بدد ... ما در می هفت سال زندگی سراسی خود میگذریم ها نهتم و هفتم شده ایم ولی هرگز به هیچکس اتهام ناروا نزد ایم" ... ولی در جای دیگر، آنکه با همان موضع خود از اینها نیافریده است، اعادی ربا کارانه و مروزانه خود را "فرماوش" میگنند و در نهضت و خوش خواسته را به دیگران روا می دارند و چنین ایست که ما و سپاهی از اول مارکیست ها را بسیار موقیانه (مادیگفت با شفوه حرب توده ای) ویدون اراده کوچکترین مدرک و دلیلی به مرتعین و جاوسان منصب میگشندند و بدینترتیب نه تنها شهمهای ناجا شنور داده و می باید بر این مغلوبیت را میشنندند، بلکه با نیز شرمی شام بخواهند که ورزنا و عمار ناکا مخدود را درین موده ایستند ... شنیدندند ای دیده دیده"

امار است جوا هزب توده به پيش ناكنكشها شمس
مجوبيود؟ کما نيمك ما "تشكيلات نهران" خان فرييات توان -
فراساشي بجهنش افلاقي و مکونيسى ميهمنان و آردا و روند
کسانكيم خوشدا و خدا در سازمان دخرا شا خوش دودن
تصيری او رهبری آستان با ديمنكين خوا جزا دخراست آسده
توسط داخهنجان مبار خارج ازگونو اذمرگونها و اکد در
زندو، چنین کماش چگونه است که به عيت ميكوشتند هميشت
ديگران والكه داركشند؟ واقعاً چرا اينان اينگونه عمل
میکنند و چنچن شوه هاى نا مردمى را پيشنه ميابند اميرا؟
برادر اي، اينکه اى و اماش سپاه و شمع حرب توده شده جوچه
استهاي طوق طلبهان ايران، هد ديران و مونكتان، بلکه مرقا بطا طسر
زندگان دهن هرجه بيشتر بقدرت و با زكرون جاي باش سراي
آرما ب خود، سه کمه و هروپلهان اى دست ميابند. آری هصفده

قدرت است و در میان مطلع ما کیا و لبیستی آیینه را، چنگوئی گنج حمول
با بن هدف مطریج نیست. باز همین رو هم خزینه بسوی هدفه

مشغیک در آینده مورد بحث ما قرار خواهد گرفت.
سریان پاگان هر تم آباد و تاریخ عرض

کمیته به راه رسیده که این اسلام‌بازیستن را در دهد تام آنها را قبول کنید. آن کسانی که شما را تحریرکنند گویند که ما می‌خواهیم راجع به مؤسسه علمی ایران از این راه رسیده باشیم. این اسلام‌بازیستن را در دهد تام می‌خواهیم و مرتضی اینان می‌باشد. ارجاعی خواهند نهادند از این اسلام‌بازیستن و مرتضی اینان خواهند نهادند. این اسلام‌بازیستن را در دهد تام می‌خواهیم و مرتضی اینان می‌باشد. این اسلام‌بازیستن را در دهد تام می‌خواهیم و مرتضی اینان می‌باشد. این اسلام‌بازیستن را در دهد تام می‌خواهیم و مرتضی اینان می‌باشد.

اطلاع کامل داشته باشیم. مثلاً در مواد سرهنگ قنادان که بسیار زان جان برگرفت که با استفاده از این روش ریزکسیکار مسلسلها ندای آزادی و آزادگی و فریبند مرگ رسماً را رسیده بودند و در عروض مذاخن "نکات مشتبه" املاحت شاهانه از دیگر عملکردگران هیچ جزوی مذکور نداشتند که در عین حال منطبق بررسی است و خواست اولین قرارداد را تحلیل شود و فای سازشکارانه و چشم امیدهایش تا زیرین شاه سپرای کاملاً فرمایشی است و احتمال انتخاباتی است، انجام شده است و

پس از پیار از سهی زان در میز سرتیپه اندی رفت :
از وقایع اختیار خود آیاد ، جوانان این شهر قصد داشتند
که خود را بزرگ نمایند ، سرمه و سرمه می-
زنند ، راهی های مسافت جویان به روی سرمه های رام خود می-
درخواست ، برخواست بر قرار را دکمه ای زیبای مردم می خورد
زمینه داد ، و تنها هنگام شما زمینه زوری مسلح شده را مطیع
فرموده اند (آنهم ای زبانیکا) هی عصیان فرمود طلبی نه و با

ت فرماندهان صند خلقی می باشند.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

لایت کنید. گویندیت هستند و غیره . . .
۱۰۰۰
۱۰۰۰

راضی‌دارند، آنها می‌گویند که شو رای نفوذ پادگان
دانم که اصلاً نماینده‌ای از جانب خود مان در شو-
اران هستند و نماینگان واقعی ما در شورا شرکت
کنند. ملتفق باشند، اما طلاقات انتهای شاهد

نهاده بار پرسید: «هرگز از رعنای شاه بود. روز رفخار فرماندهان با صلطان انقلابی فعلی که نزد فرمانده تدبیت «سرهنگ قنادان» بروند. یکی از طرف ارشد خلقی- در اولین شب کشتن مردم خرم-

ازی داد. المته عده زیاری از ما، با انجام
بیان کنترل شرکت کردند. سپس بر اثر اعتراض سپاهی
ده ام که او فرمانده غرب کشید شده است.
سرهنگی در جریان کنترل خلق ظفار شرکت راشت.

در که در خود از ماه ۵۳ به ظفار پرورد شده بودند
بودند و مستقیماً در جنگ ظفار دخالت نداشتند
رهنگ بنام "سرهنگ آذری" گفته "اختیارت ام
که هستم که حاده سرتان را در کجا

سی هسته جاده سرچار چربه پس
جاده چند روانی و کشته مردم دست داشت و پس
مخاطر کشته و جنایتش اعدام انقلابی کنند.

۱۹/۱/۱۰ گزارش

وگریز نا برابر ، بدست ما مورین جنایتکار پیشنهاد
رسید .
گرامی باد خاطره همه شهادی
راه آزادی و استقلال

૧૫

اخبر جزوی اینما "چکونه می‌از سازمان پیکار... روی برگرداندیم" با اتفاقی "رزمندگان خانی خلق" منتشر شده که در آن اعما شده که "کروه" فوق "تبلا از بجهوهای سمعی تصریح و استهانه می‌باشد" بوده است. بدین وسیله هرچند هنوز و استنکو شکنکلایتینن گروهی را مخدود (و بالطبع جدا شی آنرا) تذکیب نمیکنیم.

گر در مقابل خواستهای سر
عادلانه آنان خواهد ایستاد.
لهمهای عرب و از جمله خلق
ن خوبی‌اند به پیروزی است
مگر اینکه مازره ضا امیر با—
خود را به مازره علیه طبقاً
باعی و حاکم کشورهای عربی
ند زند. دشمنان انقلاب
سلطین و دیگر خلقهای عرب
بیم، «جمهوریسم و مرتعین
استند.

نق قلعه‌سین هر چه جلوسو
به این مهم بیشتر میرسد که
بد انقلاب کرد و جنگید تا
فلسطین و کلیه سرزمینهای
کش شده توپت سه پیوند استها
زند آند . ولی این انقلاب
می تواند توپت خلائق
من صورت بد بود . دشمنان
کی عرب مشترک هستند و
فلسطین جزئی از کل انقلاب
شمار می‌آید . هدی بن ترتیب
فلسطین از انقلاب عرب
بیست و خلق فلسطین در رهم .
از زمده و پیغمبر با دیگر
کی عرب است که میتواند به
نهادی دست یابد و دراین
شکوه ، سلاماًز پشتیانی
دیگر خلقهای استعد بده جها
خ نقلهای ایران ، بر خسرو دار

مغارف فلسطین در ایران و
وردن امکاناتی که بنا برای
خلق‌های فلسطین و ایران
میکند، توسط دولت مؤقتَ
بریگیزم نمودن توطئه‌های
هم آمریکا و صهیونیسم و سادات
بنت‌الله خبیث، رهبر جمهوری
ایران و اندام اقلایی قطع
اد دولت خیانت پیش سادات
ایشان که بحق مور دشیتیان
نم و تیروها اتفاقی است،
آزربا و خواسته‌ای خلق ما
صورت تحقق پیده گرفته است.
ماخواهان حمایت همه جانبه از
اعقلایی خلق فلسطین است.

دوسره سی شورو معا و دادت نظیر و روا بخا تند رسید
و از عسا نمی پنجه و رکسیست لختینیست می خداش -
شیر سود که مورده اعتماد و اختیار داشته بخوبی ن فراز
داست. رفیق چندماه قبل از مخفی شدن فعالیت علمی
خود را در ارباط با جریان مخفی منصب ساز زنجا هدیس
آغاز کرد و در سخته ۴۵ مخفی شد و شما شیریو ملاع
و استعداد خود را در راه آرمان خلق انسان او رشکنیلات
شیر غصیر برجهسته و کارآمد سود. هرچند رشکنیلاته
و گوکوتا بوی، ولی در همهین کام ۱ و ۲ نست قدم
های شندیده در راه خدمت سنتاف رزمکنان را بردا رده.
رفیق فرجاد عدهه فعالیت مخفی خود را در رخاخ مشهد
انجها میداد. در بهار سال ۱۹۵۷ رفیق هنین خلبانی سیک
آئین رشکنیلاته، نتوسط مددگران ساواک شناشی شد. او
پس از یکی در گبوی طولانی که حداد علیکلومتر مسیرها
مزدوران سیکرت، بار شادت و روحیه اتفاقیان که مظفریا
مزدوران رژیم جنایتکار روزگار و در پرسن این جنگ

گرامی باد یا در حق شمید.
زادی فرج باور پرست
(سعید)



دوازدهم اردیبهشت اسماں معاذ بود، با سوین
سا لگد شهاد رفیق شیده فرجاد پروردید.^(مسید)
رفیق فرجاد بیکی از فرزندان را میشن از حق و مسوی
نهای ارا خالق‌خوان مصدق و پرتوش بود، که در اهل‌بیان
سیا گذشته جان پرکف در مقابل روزم سرمه به داری
و ایسته قدر عالم کرد، و خوشنی در راه آرمان علیق پسر
زینم ریخت.

حقوق خلق فلسطین و ... همچو
جانی در حاسپات بورزوای کهبرای
د وکر حول منفعت پیشتر به برطانی
باق و باهر و سبله در میزند / دادار
این "پیمان صلح" خیانتکارا
نه همچنین به حضور امیرالبیت
آمریکا در منطقه بعد و زیمای داده
و به "اسرائیل" مت加وز که سالانه
یک میلیارد دلار کرک نظامی از
آمریکا دریافت می‌دارد اجازه
سد هد نایابی، یک ساکاهه تجارت
نهنگ غربی
جنایت نیروهای
متولی
ادای عمل و سمعت
مشالی به تها
ده و چه بسا
!/ نیز به تصرف
منظومی خود را
من متکرک تسر
وارداد "صلح"
لد در صحابی

پایه میم و صهیونیم و ارجاع
وزیر حکمت و سیاستی کند و در این
راه و بد نیال سقوط رزیم منغور شاه
ساقی، رزیم رسپرورد سادات برو
پا به این قرار داد، در کنار اسراء
تبلیغ بخشی از ظافر رزیم ساقط
شده شاه را انجام میدهد . و در
راه نفع غارتگران یانکی در سطح
منظقه فعالانه عمل مینماید و در
همین رابطه است که ما اکنون سر
بازان رزیم صدر را بجای ارشتی باز
دور شاه در ظفار می بینیم .
آری ، نتفی امیری استهباو
جمهونیستهای جانی ، ایمن

د شمعان عدار غلاب فلسطین و
د یگر خلقهای عرب هر گز نباشد و
سینواند نقص ارتضاع عرب را مکنون
نگاهدارد . اینان آنژمان که امکان
ن میافتد به فریبکاری دست زده
و آن زمان که منع ارتضاع او امیر
بالیسم توسط حتشش مرد به خطر
افتاده به فته انجزی «تוטکه» و
تهاجمات سرکوبگرانه روی آورده اند
تاریخ هزار زرات مرد فلسطین بخواه
سی این امر را نایات میکند . سیک
زمان ملک مصطفیان جلال «زمیان

د یگر اسد مرتعج و امروز سادات خان
من با پشتیبانی من در ریخ زیمه‌های
مرتعج سلطان نشین عمان «سودان
غرب و عربستان سعودی (بوبیزه)
این آخری که وزیر بوز وظاائف
بپشتی از طرف امیرالیسم آمریکا
به او الحاله میشود) و فرد امزو-
خی خلق مصر ،

بررسیت شناخته شود و مورد
فلسطین و ادار شوند تا در ازای
بک دلت پوشالی در ساحل غربی
رود اردن و نوار غزه از راهی
کلیه سرمیانهای خود صرف نظر کنند
قتل عام و کشتن رزمندگان
فلسطینی در لبنان توسط ارش
ضد مردمی حافظ اسد و نیز
هجوم فلاح تیزستهای فاشیست لینا
ن با حمایت "اسرائیل" و زیر مزد
دشاد خواه، تأمین دیگ نیو-

فلسطین و توطنه هارا
های مرتعن منطقه «ضریات سخت»
دیگری بودند که به نهضت وارد
آمدند. این حملات هدف منهد م
ساختن انقلاب فلسطین «امان»
طایله دار جنیش شاخ های صرب
را تعقیب میکردند و علاوه بر این
ضریات «مرد م فلسطین بطور اشم
و همیشگی مورد پیروز نظامی ممه
جانبه (هواخی «زمینی و ریاکی
مهاجمان اسرائیلی قرار گرفتهند»
جانبیانی که شب و روز بپنا هگام
ها ورد و گاهی های مرد م استند بد
و قهرمان فلسطین حمله کرده
پیر و جوان، زن و مرد و کودک را
کشتار نموده اند.

خلق فلسطین در طول تاریخ
ما را زنگ و بیزد پس از تجارت و
نیسم و شکل دلت اشغالگر
”اسرائیل“ در سال ۱۹۴۸
طنجهای مسیحی از رسیده رانی
است، توطنهایی که هر کدام
جهت سرکوب کرد ن خلق فلسطین
و مجازات دلا رفعا شود ام
اعبری استهنا و صهیونیست
خلق فلسطین را بزرگ سرنده
عام از سرمیش بیرون کرد نه
فلسطین را به پایگاه دخواز ساخت
های منطقه تبدیل نمودند ل

مود می که میهن خود را زاد
داده بودند بهای خاستند و بـ
آزادی نامی میهن خود بیند
نام سرزمین فلسطین به پیکـ
خونین روی آوردند و نگداشتند
برهم مقاومت انتقلاب فرو افـ
آزوهای شوم امیرالیسم و صـ
نیس میهن بر باپوی خلق دلاـ
فلسطین صورت تحقق بخود گـ
هزار زات قهرمانانه حلـ
فلسطین تود هنی محکمی سـ
امیرالیستها مهمنویستها و
مرتعجنون که میکوشند و جـ
خلقه را با تاریخ ملوانی و پـ
افتخار انگار کنند . اما میوازـ
شد و گشتن میزرات خلق فلسطـ
وکسب پیشانی و حمایت هر چـ
پیشتر نیروهای انقلابی و مـ
جهان ، توطئه های امیرالیـ
صهیونیسم و ارتقای غزونی گـ
و ضربات زیادی را بر این خـ
ستندیده و قهرمان آورد آورد
کشناور وسیع لا روان فلسطینـ
سپتامبر سیاه ۱۹۷۰ توسعـ طـ
حسین جلال با حمایت بیدرـ
امیرالیسم آمریکا ، ضریبه مملکـ
که بر چنین مقاومت فلسطین فـ
آمد . طرح کنفرانس امیرالیستـ
زون که با پیشنهاد شوری و بـ
حمایت آمریکا اراده شد توسلطـ
بود نا خلق فلسطین به پاییـ
ذکر که با " اسرائیل " اشغالـ
کشانده شود دولت " اسرائیـ

• خاصه رئيسي که در مکانه هر تذكر دانشگاه از عوامل عمدات بوجود آوردن فاچمه نقدت بودند

شهادت هزاران تن از هم میهنان کرد و ترک « ویرانی روس‌تاهای اطراف و بین خاناتی هالی ستدیده این منطقه ناجمه دیگری بود که بدنبال جایع سندنج و گرد بختیاری متبدله مارفت.

پس روشن شده ها و عوامل بیوآن در آورده مین‌حساو است خوش اینکه وضد انسانی در چگونگی کدام دست پلیدی است که اینجا و آنچه روزی در سندنج و روزی دیگر در گرد و اموزرد رفته ناجمه می‌آفیند؟ حله و شیران ازی عناصر کهیته رفته به مردم کی مدن سندنج « گله‌واران مین‌بینندگ آرام کانون خوش خلق کنون بوسیله عناصر کهیته کنند و شیران ازی عنصر کهیته شماره ۱ نقده بسوی مردم کرد همین- طور تبراند از عنصر کهیته شماره ۲ نقده بروی مردم ترک « همه و همه بیانگر است که سیاری از کهیته ها بدیل به لائمه ضد اتفاق و بین‌ها امن برازی ترویجه چنین یعنی مو اسلی مزد و می‌رسیم اینکه مدنده است « ماتا طبل کی را شناسد از سندنج و گرد علی و چگونکی حواتد این دو شهر را برسی کرده و انتشار داده ایم « در اینجا به فاجعه نقده می‌رسی

گوشه‌هایی از:

فاجعہ نقدہ

یک کرد که توانسته بود از زندان کیته شماره یک نقده
جان سالم بدر ببرد، میگفت:

برویو ازما را به کمیه مرد و زن و همسان مان را کنم
جهل پرور و مرد بودم در ریک اطاق نگاه داشتم
اطاقهای دیگر نیز چیزی وضمنی داشت هر سه چهار ساعت
نهایا را پس از شنبه بازی میگردند مردها را تیز میزنا بیرون برد
باشکوهی را شناسیدند و باشکوهی داشت زنگیه فقط
شست تن از ما باقی مانده بود که بک فرم هنگام خود از پسر
بازدیده از اینها بودند هفت تن روزه
* * *

یک کرد وارد نزول میشود ۸ تغرا کروگان بیکرد
ر این هنگام یک نفرگ که شبان شده بود ۹ زشت این شخص
ا هدف قدراره و بوقت مرساند گرد های دیگر بخانه
بخته و ضارب را با ۸ کروگان دیگر به کلوب پسته و همکن ۱
کشتند.

ا! به رگار میبینند که در نتیجه ۲ تن کشته و تعداد زیادی
رخن میشوند . رخن ها را به اشتبه میرند .

زوره بپرسی از عزیز مهندس پارسیان دارای پیش ازدیده است:
مینهن گزارش داده است: «دیرز ساخت از خوب، هلسی
میترست از تهیه ای مشرف بر قمه آلبایو سلدوس بزرگترین
نشست و عدم دام سیاز و درجه دار آن بیان شدند. و سه
آن از پیش مرکه های کرد از هالن قبه جاوار - شمس-
دیرز رسانیدند. دیرز مینهن ۸ دستگاه مانک وارد قسمی
گلخانه شدند.

یک از روستاییان که خود شاهد ماجرا بوده، میگوید: «دیروز (چهارم اردیبهشت)، هلی کوشا را تش بهمند، حامه کردند و نه لایکتند.»

سند میرزا را در پیش از آغاز نبرد رسانید و پس از شکست دشمن راه روزانه را برداشت. همچنین مزد و زوان قابلیت عالم کرد و اندیشه کیوکولان هجم و اهالی را قابلیت عالم کرد و اندیشه

روزیه (کشته حسنه) سرمهیده و با خوشبودی کرد ها را آخرا رند. ترکی بگفتند ما اینچنان کرد ندانند. لکن بعد از میان زیرین جو پیغمدند ما کرد هستم. ترکی از آنها بگفتند را اکنید و پیغدی ما شنا رفته که ترکیا جلوی ما ایستادند و گفتند که اگر میخواهید آنها را بکنید اول باید بوسی سا

کارگر گچگاری که فرب حسنی مرتجم را خورد و از اروپیه
تش کید.

برای دفعه از اسلام به عنده رفته بود بیفت: «روزدای چهارم
کنگره اندیشه هست» اک گروهی نز و پیچه از شریه طرف کرد.
ها فرار از ایران شدند. من یکی از اشتیانیان بودم با شلیک چند
رگبار آنها را بین من ریخت. من یکی از پیچه ها را که خسوس
بوده ولی تمرد بود از روی زمین پلند کردم. ولی آن اشتیانی

نودک را از دست گرفت و با یک تیر خلاص کرد.
همین کارگر میگفت: «جهادیش که سوار بر هلیکوپتر
نمیزد و آنرا از پایه خود جدا نمیکند».

و زندگی از آن باور هر زندگی را به میدانیدند و می شنستند .
وازمهارت این "مجاهدان" شکفت زده شده بود . چرا
که کرد ها را که در حال فرار بودند با تک تیر یکی بین ازدیگری

با خاک می کشیدند *

جنایت و گریگان گیری آغاز میشود • ترک و کرد که تا دیروز
برادر را ریا هم نزدیک میکردند و در صفا واحد برعلیه رژیم
شاهنشاهی و امپراتوریسم میزینیدند • اگون بدام توطه های
از جهاد افتاده و به چنگ کشید براز رکن کردند میشنوند • با
کشتن شاه «امنه» جنگ و با رواج «مجاهدان» اعزامی کوشته
اروپیه - منتهی مراجعت - کشانار اباد و سعیت پرخود می-
گیرد • «مجاهدان» با فربود کرد جهاد چنان عکس
از رعیت کردستان - آیت الله حسینی بپرسی زه پوش و پسا
پوشاندن سرو صورتان بوسیله پارچه ای محل - «آقا بانو»
- خود را بشکل کرد که هارا از ده و سی از زندیک شدن بسے
پیش مرگ های کرد - آنها را پیر عصمهانه به گلوه می پندند و ۰۰

سُمْ الله الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

هزار هزار شهرستان تقدیم و خوشیده
عنصر ارتقای و خدمت مدنی، بار دیگر نفعی شوام خود
را رساند و به دنبال توطیق چنین علیه خواستهای به
حق خلق‌ها آزار بخواه از جمله خلق کرد، در شهرهای
سنندج، گنبد و آبادان این باریا استفاده از تصریح
یک احساسات مشهی و نیازد ساکنان تقدیم را به جان
هم اندختند. سالها بود ترک و کرد، شیعه و سنسی
برادر و برادری هم زندگی کردند و مسلم است که این
جنگ تعطیلی خواسته هیچ یک از طرقین نیواده، بلکه
به زیان هر دو گروه خواهد بود.
با توجه به حقیقت فوضی، از تمام برادران و خواهشمندان
سلمانی و پیرزه ساکنان شهرستان تقدیم که مخواهیم کرد
برادر و رکن خاتمه داده و به قدر طلبان اجازه نهاده در
پلن انقلاب راستین ایران را نهادهند. علیرغم خواسته
قلوی بازماندگان زیم پوسیده شاهنشاهی، شمش مکمنی
بر رهان یاوه سرمهان و نقایق اندانزان بزندیده و تابست
نماید که همینون سابق در کار هم وها هم زندگی
می‌کنند.
در این مرحله حساس از تاریخ خلق‌های استند پدیده ایران
آن بایان داد پهلوان رکنی شاهنه وشد سیاهمنی و

تعاهم و اخوت من باشد ، لذا بارز پردازیده اسلام
من نماید که جنگ خانمانسوز نقده به زیان خلقهای کسر
و ترسک نسام خواهد شد .

والسلام عليكم

سید عز الدین حسینی - مهاباد

卷之三

61

نقده تغییراً من شهرهای مهاباد، ارومیه و پیرانشهر دارد
در میته دشت سلس واقع شد است. روابط گرد ها و ترکها
همهاره خوب بود و مخرب و خوش در کارگاه بینکیز و بندکیز
زندگی میگردیدند و در سپاهیان موارد روابط غایلیان بوقراط کردند
اند. با اوج گرگی یازیزات انقلابی تولد ها، این زندگی و
همیشگی مستحکم تر شده در سترگ واحد مازای برعلیه رئیس
ساقطه شد. قومی میباافت. شما راهی که تاکنین بربر اداری
و پسرابری کرد و ترک داشت. همهاره در ظاهرات ضد امیریا
لیستن و ضد ریعنی، سترن افکن بود. سیاست قیام بهمن روز ترکمان
سلام زاندار عربی و تسلیح مردم کمیته ای از طرف ترکمان
و گرد ها تشکیل شد. ترکیب کمیته که مستقیماً در انتباط پسا
کمیته اورجه بربا انتباخت حسنه تمرکز کارگر میکرد. عبارت بود از
هزار نفر متوجه چون اسما و آنکهایها ترک و هجھین عنده ای کرد. ازان آن
جا که گرد ها عملاء در اداره کمیته شرکت نمودند و حسنه
در مواردی تسمی های نیز باشان بسته بیشد، ناجاران از
کمیته کارگر کشیدند. و از راکلاهای انتباخت رکبها اذکار اشتبان
کردند. هرچند گردن از فرست استفاده کرد و ترکه دینکی بسے
نام کمیته شماره ۱۰۰ کردند. این کمیته بین زعمدانی از عناصر
متوجه و باسته به قبول الیا تشکیل شده است. از آنها کمیته
در چنین جوی، امکان ایزار وجود براز نیروهای دموکرات و
انقلابی وجود نداشت ناجاره ایجاد جمعیت از نوع محیط-
های موجود در سایر شهرهای کردستان مشهودند. اکن ازان آن
جاشی که این جمعیتها معتمدند بسی از غلابیان میباشند—
تشکیل های مستبدت، اذنا بخش از دینکر نیروهای متوجه
نتوانستند در این جمعیتها مشکل شوند.